

از قضا سرکنگبین صفرا فزود!

مروری بر سخنان جنجالی احمد خاتمی

آیت‌الله سیداحمد خاتمی از جمله معممانی است که سخنانش معمولاً با استقبال رسانه‌های داخلی و خارجی مواجه می‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، فرقی نمی‌کند این سخنان در خطبه نماز جمعه اظهار شود، در سخنرانی مناسبتی به زبان آورده شود یا در خلال نشست خبری گفته شود؛ کافی است او نسبت به موضوعی اعلام موضع کند یا دیدگاه خود را درباره واقعه‌ای تشریح سازد و حتی - در تازه‌ترین مورد - «خاطره‌ای» از دوران نظام پهلوی و خشونت در زندان‌ها بازگو کند، همگی نتیجه‌ای یکسان در پی دارند: سخنان خاتمی بی‌بربرگرد توجه رسانه‌ها را جلب خواهد کرد.

خاتمی طی سخنانی در حسینیه امام خمینی همدان حادثه ۱۵ خردادماه ۱۳۴۲ را یاد کرده و از اقدامات حکومت پهلوی در آن سال‌ها سخن به میان آورده و گفته: «طاغوت در پی دین‌زدایی بود و "جوجه مارکسیسم"های آن زمان دین را افیون می‌دانستند اما مردم با احیای دین نشان دادند دین مایه حیات جامعه است و کشور در زمان انقلاب نور به استقلال کامل رسید.» او کمی عقب‌تر هم رفته و به دوران قاجار اشاره کرده و افزوده: «چه در طول دوره قبل از انقلاب و چه در دوره قاجار ایران تحت‌الحمایه بود، گاهی تحت‌الحمایه روس‌ها و گاهی تحت‌الحمایه انگلیسی‌ها و پیش از انقلاب تحت‌الحمایه آمریکا؛ مردم حق استقلال و آزادی خود را از دوره سیاه طاغوت با حضور امام راحل پس گرفتند و با شکنجه‌گران و سرکوب‌گران طاغوت مقابله کردند.»

از همینجا ماجرای شکنجه و شرح حال زندانیان سیاسی دوران پهلوی به سخنان خاتمی اضافه می‌شود و ذکر اوضاع زندان‌ها و شیوه مواجهه محمدرضا پهلوی با منتقدانش در قالب روایتی به گوش حاضران در جمع می‌رسد: «جوانان ما باید بدانند در زمان شاه از سوی ساواک، فردی که به شاه تیکه می‌انداخت را در قفس شیرهایی که در باغ وحش گشته بوده‌اند رها کرده‌اند و به بدترین شکل وی را کشته‌اند. اما مفسدین و معاندین تمام این مسائل گذشته را تکذیب می‌کنند و می‌خواهند جوانان را گمراه کنند.» خطیب موقت نماز جمعه تهران در ادامه به نقش «رسانه‌های معاند» در همان روند گمراه‌کردن جوانان اشاره کرده و ادامه داده: «می‌خواهند مردم را ناامید کنند و به جوانان القا کنند که هیچ‌چیزی در کشور سر جای خودش نیست.»

سخنرانی خاتمی بخش‌های جالب‌توجه دیگری هم دارد که اگر این روایت خاص از نحوه مواجهه شاه سابق با منتقدانش را با خود نداشت، احتمالاً جایگزین مناسبی برای جلب توجه رسانه‌ها محسوب می‌شد و با قدرتی در حدود همین روایت، مخاطبان این رسانه‌ها را مجذوب خود می‌کرد. مثلاً آنجا که می‌گوید: «باید از خلوت‌شدن مساجد و عدم استقبال بخشی از جوانان از نماز بترسیم.» یا این جمله که «قصه حجاب یک مسئله تشریفاتی نیست و طبق فتوای تمام مراجع از ضروریات است؛ اگر این مسئله رعایت نشود از اسلام عبور کرده‌ایم و آسیب دیده‌ایم؛ نمی‌گوییم هر کس بی‌حجاب یا بدحجاب است با اسلام مشکل دارد اما کسانی که به این افراد خط می‌دهند معاند، کافر و دشمنان قسم‌خورده دین اسلام هستند.»

اما آنچه از این سخنان عاید رسانه‌ها شد و در داخل و خارج و به دنبال آن در فضای مجازی واکنش‌ها را به همراه داشت که اغلب ترکیبی از شگفتی و ناباوری و شوخی بود، همان روایت شیران گرسنه و فردی که به شاه متلک می‌انداخت و کشته‌شدن وی به بدترین شکل است. راوی البته در انتهای سخنانش اظهار کرده که «مفسدین و معاندین» می‌خواهند جوانان را گمراه و مسائل گذشته را تکذیب کنند؛ شاید تملکه‌ای با این هدف که پیشاپیش تأکیدات لازم بر صحت این روایت انجام شده باشد و شک‌و‌تردیدهای شنوندگان حاضر و خوانندگان بعدی نسبت به آن برطرف شود. مروری به نحوه پوشش رسانه‌ای این خبر و واکنش‌ها در فضای مجازی به آن، اما نشان می‌دهد صرف تأکید آیت‌الله خاتمی و محض اینکه چنین روایتی از زبان او گفته شده، تأثیر لازم را در پذیرش مخاطبان به همراه نداشته و بیشتر موجب بروز عکس‌العمل‌های ناهمگون با انتظارات صاحب‌سخن از دریافت احتمالی آنان شده است. علت اصلی این واکنش‌ها هم سوای از چهره رسانه‌ای آیت‌الله خاتمی و سخنان وی در دیگر زمینه‌ها، به نحوه ارائه این روایت بازمی‌گردد، او نه توضیحی داده که منبع این روایت کیست و نه مشخص است که آیا شخصاً مستنداتی از وقوع چنین ماجرای هولناکی در اختیار دارد یا نه؟ همچنین نه از هویت آن فرد اطلاعاتی به دست داده و نه تاریخ وقوع ماجرا را معلوم کرده است. ما فقط می‌دانیم شیرهایی گرسنه در باغ‌وحشی (که نمی‌دانیم کجاست) فردی را با نقشه ساواک به جرم متلک‌پرانی به شاه سابق، به کام مرگ برده‌اند.

نقل چنین روایاتی قطعاً با اشاره به اسناد و مدارک برای تحکیم صحت این دست سخنان ضروری به نظر می‌رسد و روشن است به گواهی واکنش‌های بخشی از افکار عمومی که در فضای مجازی فعالند و اتفاقاً بیشترشان را همان جوانانی تشکیل می‌دهند که نگرانی آیت‌الله خاتمی فریب‌خوردن آنان از رسانه‌های خارجی است، نه تنها با چنین روایتی یا روایاتی شبیه به آن، چهره واقعی زمامداران قبل از انقلاب و نهادهای امنیتی‌شان را در ذهن متصور نمی‌شوند بلکه با دریافت‌هایی متفاوت از آنچه نیت اصلی گوینده است، ممکن است در مسیری حرکت کنند که نتیجه آن جدی‌نگرفتن هر روایت مستند و متقنی از خاطرات برخوردهای سخت و شکنجه‌های تحمیل‌شده به مخالفان سیاسی آن دوران باشد.